

A Study on The Economic Strength and Strategy of The Islamic Republic of Iran in the Oil Market

Mohammad Mahdi Karbasiyon ^{*1}

1. PhD student in political science/Public Policy, Faculty of Law and Political Science, Isfahan Islamic Azad University (Khorasgan), Isfahan, Iran.

Abstract

The oil industry has always played the biggest role in Iran's economic growth. However, in order for this growth to be continuous and stable, in addition to increasing the capacity of oil and gas production, optimization plans for energy consumption and productivity in this industry should be prioritized by relying on the power of the people and the private sector. During the period after the victory of the Islamic Revolution, Iran's economy has been faced with various sanctions. During the recent years, these sanctions have become intelligent and multi-layered, which seriously hampers the normal functioning and implementation of the program in Iran's economy. has done. The difference economy strategy is proposed in front of the above model of economic sanctions, one of the important components of which is the regulation of exchange rates. Also, one of the basic problems of oil-bearing countries, especially Iran, is financing development and construction projects through oil revenues. In most of these countries, the oil sector has a high share of added value in the GDP. The sharp increase in oil revenues, while being considered as a natural wealth, has turned into an economic disaster. In general, in oil countries, the subject of crude oil export has always had many complications in the way of sale, pricing and type of contract; Because this strategic product, in addition to economic factors such as supply and demand, is strongly influenced by the politics of countries, international relations and events that occur in the world. In Iran, the income of the oil sector is nearly 20% of the gross domestic product (GDP), about 80% of the total export and between 60 and 70% of the government budget. The topic of oil sales and export mechanism is very important. As in these years, sanctions and reduction of Iran's oil exports have increased the importance of this issue. In this article, we study the economic strength and strategy of the Islamic Republic of Iran in the oil market.

Key Words: Economic Power, Strategy, Islamic Republic Of Iran, Oil Market.

مطالعه ای بر توان اقتصادی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در بازار نفت

محمد مهدی کرباسیون^{۱*}

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی / سیاستگذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

صنعت نفت همواره بیشترین نقش را در تحقق رشد اقتصادی ایران داشته است. با این حال، برای آنکه این رشد بتواند مستمر و پایدار باشد، باید افزون بر افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز، طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی و بهره‌وری در این صنعت با تکیه بر توان مردمی و بخش خصوصی در اولویت قرار گیرد. اقتصاد در ایران طی دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تحریم‌های متنوع رو به رو بوده است در طی سال‌های اخیر این تحریم به صورت هوشمند و چند لایه در آمده که کارکرد معمول و اجرای برنامه در اقتصاد ایران را به طور جدی با مشکل رو به رو کرده است. راهبرد اقتصاد تفاوتی در مقابل الگوی تحریم اقتصادی فوق طرح شده که یکی از اجزای مهم آن قاعده‌گذاری برای نرخ بندی ارز است. همچنین یکی از مشکلات اساسی کشورهای دارنده نفت و به خصوص ایران، تامین بودجه طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی از طریق درآمدهای نفتی است. در بیشترین کشورها بخش نفت از سهم ارزش افزوده بالایی در تولید ناخالص داخلی برخوردار است. افزایش شدید درآمدهای نفتی در حالی که به عنوان یک ثروت طبیعی تلقی می‌شود به بلای اقتصادی تبدیل شده است. به طور کلی در کشورهای نفتی موضوع صادرات نفت خام همواره پیچیدگی‌های بسیاری در نحوه فروش، نحوه قیمت گذاری و نوع قرارداد داشته است؛ چرا که این کالای راهبردی علاوه بر عوامل اقتصادی چون عرضه و تقاضا، به شدت تحت تأثیر سیاست کشورها، روابط بین الملل و حوادثی است که در دنیا رخ می‌دهد. در ایران، درآمد بخش نفت نزدیک به ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP)، حدود ۸۰ درصد کل صادرات و بین ۶۰ تا ۷۰ درصد بودجه دولت را تشکیل می‌دهد. موضوع مکانیزم فروش و صادرات نفت، از اهمیت بسیار قابل توجهی برخوردار است. همچنانکه در این سالها، تحریم و کاهش صادرات نفت ایران، اهمیت این موضوع را افزایش داده است. در این مقاله به مطالعه ای بر توان اقتصادی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در بازار نفت می پردازیم.

کلمات کلیدی: توان اقتصادی، راهبرد، جمهوری اسلامی ایران، بازار نفت.

مقدمه

صنعت نفت یکی از گران‌ترین صنایع در جهان به شمار می‌رود و انجام طرح‌های توسعه‌ای در این صنعت پرهزینه است، تا آنجا که اجرای یک طرح متوسط در بالادستی به سرمایه‌گذاری بیش از ۵ میلیارد دلار نیاز دارد. بنابراین اغلب کشورهای نفتی برای اجرای پروژه‌های خود استفاده از سرمایه‌های خارجی یا ظرفیت بخش خصوصی و مردمی را در دستور کار می‌گذارند و با توجه به آنکه بازگشت سرمایه در صنعت نفت مطلوب است، در اغلب موارد نیز موفق می‌شوند. در ایران نیز با وجود ادامه تحریم‌های نفتی، مزیت صنعت نفت آن‌چنان بالاست که این صنعت توانسته است بیشترین جذب سرمایه خارجی در دولت سیزدهم را به خود اختصاص دهد. درواقع، وزارت نفت در دولت سیزدهم با فعال کردن دیپلماسی انرژی با کشورهای همسو، از شرق آسیا گرفته تا سواحل دریای کارائیب، توانسته است ظرفیت تولید نفت را احیا کند و صادرات و درآمدهای نفتی را توسعه دهد.

با فعال شدن دیپلماسی انرژی در وزارت نفت، شاهد افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، بازسازی‌های جدید نفتی، مشارکت در اجرای طرح‌های صنعت نفت، جلوگیری از خام‌فروشی و... هستیم. افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، افزون بر تأمین مالی اجرای پروژه‌های نفتی، به ورود تکنولوژی نیز کمک خواهد کرد. توسعه طرح‌های اقتصادی در کشور بدون تکیه بر بودجه دولتی، مدل موفق‌تری است و این اقدام‌ها نقشی جدی در رشد اقتصادی و جهش تولید کشور خواهد داشت.

اقتصاد مقاومتی مفهوم جدیدی است که با شدت گرفتن خصومت‌ها (با محوریت آمریکا) علیه کشور توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. مطمئناً یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران که همواره در معرض آسیب و ریسک قرار دارد بخش نفت است. شناخت دقیق تغییرات و تحولات بازار جهانی نفت، تجزیه و تحلیل دقیق تحرکات کشورهای آمریکا و عربستان سعودی به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار در بازار نفت و آسیب‌شناسی وضعیت اقتصادی کشور به لحاظ وابستگی به نفت، برای مقابله با رویکردهای خصمانه آمریکا و عربستان در بازار نفت که سازگار با چارچوب اقتصاد مقاومتی می‌باشد، راهبردهایی ارائه شده است که اهم راهبردها برای مقابله با این رویکرد خصمانه عبارتند از: خروج از اوپک، گسترش دیپلماسی انرژی، استفاده بهینه از ظرفیت ممتازی به‌نام اقتصاد مقاومتی، اعمال سیاست‌هایی جهت جایگزین‌ناپذیری نفت ایران برای مشتریان راهبردی در صورت تأکید بر تداوم صادرات نفت، رعایت عدالت بین نسلی و حفظ اصل سرمایه‌ها، تجهیز همه امکانات برای جلوگیری از خام‌فروشی نفت و صادرات فرآورده‌های نفتی با ارزش افزوده بالاتر، پرهیز از واردات بی‌رویه و بازگشت به سیاست تولید داخل در راستای اقتصاد مقاومتی، ارتقای بنیان‌های تولید و کمک به تغییر استراتژی تولید از سنتی به تولید تجاری و دانش پایه، کاهش تدریجی وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و ایجاد ثبات در درآمدهای ارزی به‌واسطه تقویت مدیریت صحیح حساب ذخیره ارزی (یا صندوق توسعه ملی) کشور و در نهایت جلوگیری از گسترش حضور و دخالت دولت در اقتصاد و واگذاری امور اقتصادی کشور به بخش خصوصی.

اقتصاد مقاومتی در وزارت نفت

برنامه های اقتصاد مقاومتی در وزارت نفت در شش بخش شامل اقدامات در بخش بالادستی نفت و گاز، اقدامات در بخش انتقال، توزیع و صادرات گاز طبیعی، بخش صنعت پتروشیمی، بخش پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و بخش حمایت از ساخت داخل و شرکت‌های دانش‌بنیان دنبال شده است.

تکمیل طرح‌های پارس جنوبی، توسعه میادین مشترک غرب کارون، تمرکز بر ادامه طرح‌های گازرسانی به شهرها و روستاها، اتمام طرح‌های نیمه تمام پتروشیمی و تأمین خوراک واحدهای پایین دستی، افزایش ظرفیت پالایشی و بهبود کیفیت فرآورده‌های نفتی تولیدی و ادامه آن‌ها، تمرکز بر ادامه اجرای طرح های نگهداشت توان تولید، پیگیری عقد و اجرای قراردادهای توسعه میادین در چارچوب مدل جدید ipc، تقویت حمایت از ساخت داخل با تمرکز بر ۱۰ قلم خانواده کالایی

تعریف شده، بویژه در اجرای طرح های epc/epd بالادستی نفت، طرح جمع آوری گازهای مشعل و حمایت از شرکت های دانش بنیان و استارت آپ ها در صنعت نفت رئیس طرح های راهبردی وزارت نفت طی سال های گذشته بود.

وزارت نفت به دنبال تلاش های مجدانه توانسته با دست یافتن به افزایش بیش از ۵ برابری تولید نفت خام از میدان های مشترک غرب کارون، تولید روزانه نفت در این میدان را از ۷۰ هزار بشکه در سال ۹۲ به ۳۵۵ هزار بشکه در سال ۹۷ برساند. همچنین دستیابی به تولید ۶۰ هزار بشکه نفت خام در روز از میدان مشترک آذر تا پایان سال ۱۴۰۰ و آغاز تولید از لایه نفتی میدان پارس جنوبی از فروردین ماه ۱۳۹۶ از دیگر دستاوردها در این قسمت است. ادامه اجرای طرح های نگهداشت توان تولید با هدف ایجاد اشتغال و رونق برای پیمانکاران و سازندگان داخلی و مهم تر از همه این موارد، ایجاد امید و اعلام این نکته بسیار مهم که تحریم ها نمی تواند تولید نفت کشور را متوقف کند، با سرمایه گذاری بالغ بر ۶ میلیارد دلار و با هدف نگهداشت و افزایش تولید نفت خام به میزان ۲۸۱ هزار بشکه در روز طی سه سال تعریف شده و در سال ۱۳۹۹، تعداد ۱۰ فقره قرارداد به ارزش ۶۵۰۰ میلیارد تومان با پیمانکاران داخلی برای اجرای آن منعقد شده است.

بر این اساس پیمانکاران ملزم شده اند که اقلام پرمصرف پروژه های خود را که در قراردادهای منعقد شده با آن ها ضمیمه شده است از سازندگان ایرانی خریداری نمایند. در حوزه تکمیل میدان گازی پارس جنوبی با اتمام طرح های دردست اقدام، دستیابی به تولید ۷۵۰ میلیون مترمکعب گاز مقدور شده است. تکمیل فازهای پارس جنوبی در بخش خشکی و دریا و تعیین تکلیف فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی از جمله این اقدامات است. به این ترتیب برای اولین بار میزان برداشت روزانه ایران از میدان مشترک گازی پارس جنوبی، از قطر پیشی گرفت و بر این اساس تولید گاز روزانه ایران از این میدان به بیش از ۷۰۰ میلیون متر مکعب در برابر تولید ۶۲۰ میلیون مترمکعبی قطر رسید.

وزارت نفت در زمینه احداث تاسیسات جمع آوری و جلوگیری از سوزاندن گازهای مشعل نیز اقدامات قابل توجهی داشته که با بهره برداری از تاسیسات بید بلند ۲ با سرمایه گذاری حدود ۳ میلیارد دلار و ارزش تولیدات ۱.۹ میلیارد دلار در سال، تاسیسات ۳۲۰۰ ngi با سرمایه گذاری حدود ۱.۲۵ میلیارد دلار و ارزش تولیدات ۱.۳ میلیارد دلار در سال، تاسیسات ۳۱۰۰ ngi دهلران با سرمایه گذاری حدود ۹۰۰ میلیون دلار و ngi خارک، مشکل سوزاندن گازهای همراه نفت در مجتمع های پالایشگاهی حل شده و علاوه بر استفاده از این گاز برای تولید محصول، مشکلات زیست محیطی ناشی از سوزاندن این گازها نیز مرتفع می شود. به این ترتیب سالانه حدود ۲.۵ میلیون تن محصولات با ارزش افزوده بالای پتروشیمی با ارزش حدود ۲.۵ میلیارد دلار به تولید پتروشیمی کشور افزوده می شود. در بخش انتقال، توزیع و صادرات گاز طبیعی، وزارت نفت، سهم سوخت مایع نیروگاه ها را از ۴۳٪ در سال ۱۳۹۲ به ۱۲٪ در سال ۱۳۹۹ کاهش داده و از سوی دیگر پوشش کلی گازرسانی کشور را از ۸۵٪ در سال ۱۳۹۲ به ۹۳.۵٪ در خرداد ۱۴۰۰ رسانده است و در حالی که از ابتدای شروع گازرسانی در کشور تا پایان تیرماه سال ۱۳۹۲، ۱۴ هزار و ۴۱۹ روستا از نعمت گاز برخوردار شده بودند، از مرداد ۹۲ تا مرداد ۹۸، ۱۴ هزار و ۴۹۷ روستای جدید، یعنی بیش از کل اقدامات تا پیش از دولت یازدهم به شبکه سراسری گاز متصل شده اند. این اقدام با صرف هزینه ای بالغ بر ۱۷ هزار میلیارد تومان عمدتاً از محل منابع جدید ناشی از صرفه جویی در مصرف سوخت های مایع تامین شده و لذا در این عملیات بزرگ از حداقل منابع بودجه عمومی دولت استفاده شده است.

هزینه سرمایه گذاری پروژه های گازرسانی در دست اجرا سالانه چند هزار میلیارد تومان است و تقریباً همه لوازم و تجهیزات شبکه های توزیع گاز در داخل کشور تولید می شود و در عمل طی سال ها یگذاشته بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان پروژه فقط توسط شرکت گاز به پیمانکاران و سازندگان ایرانی ارجاع شده است. در بخش صادرات گاز طبیعی با اتمام بخش عمده خط ششم سراسری، صادرات گاز به کشور عراق تا میزان ۱۴ میلیون مترمکعب در روز، از تیرماه سال ۱۳۹۹ با سرمایه گذاری حدود ۱.۸ میلیارد دلار آغاز شد. صادرات گاز کشور در تیر ماه ۱۴۰۰ روزانه حدود ۶۳ میلیون متر مکعب بوده که از این رقم، بیش از ۳۸ میلیون متر مکعب در روز مربوط به کشور عراق بوده است. در صنعت پتروشیمی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ با

بهره‌برداری از ۱۵ طرح با ۵.۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری، ۵.۲ میلیارد دلار تولید محصول با قیمت پایه سال ۱۳۹۰ انجام شده و تا سال ۹۸ با بهره‌برداری از ۲۷ طرح پتروشیمی دیگر ظرفیت اسمی تولید ۷۶ درصد افزایش یافت. بر این اساس صنعت پتروشیمی کشور از سال ۹۲ تا پایان سال ۱۴۰۰ شاهد افزایش ۲ برابری تولید محصول نهایی و افزایش ۶۰ درصدی درآمدی خواهد بود. در بخش پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی از ۱.۸ میلیون بشکه در سال ۹۱ به ۲.۳ میلیون بشکه در سال ۹۸ افزایش یافته و تولید بنزین کشور با افزایش ۱۱۵ درصدی همراه بوده است که بر این مبنا تولید بنزین از ۵۲ میلیون لیتر در سال ۹۱ به ۱۱۰ میلیون لیتر در روز در سال ۹۸ رسیده است. همچنین در حالی که در سال ۹۱ تولید بنزین دارای استاندارد یورو در کشور صفر بود، تولید بنزین دارای این استاندارد در سال ۹۸ به ۷۶ میلیون لیتر رسیده که سهم و نقش قابل توجهی در بهبود کیفیت هوای کلان‌شهرها به ویژه تهران داشته است. تولید نفت گاز کشور نیز در این دوره شاهد افزایش ۱۲ درصدی بوده و از ۹۴ میلیون لیتر روزانه در سال ۹۱ به ۱۱۲ میلیون لیتر در سال ۹۸ رسیده است. ظرفیت تولید نفت گاز با کیفیت یورو در سال ۱۳۹۱، حدود ۶ میلیون لیتر در روز بوده که در حال حاضر به ۴۵ میلیون لیتر در روز یعنی بیش از ۷ برابر رسیده است. وزارت نفت با اجرای طرح سیراف از خام فروشی میعانات گازی از طریق احداث ۶ واحد پالایشی ۶۰ هزار بشکه ای جلوگیری کرده می‌کند.

تولید ۲۰ میلیون تن محصولات پالایشی در سال و افزایش ۲۲ درصدی ظرفیت پالایشی کشور در دوران تحریم، افزایش ۱۳۰ درصدی ظرفیت خوراک مایع پتروشیمی در کشور، رفع گلوگاه‌های صادراتی و افزایش سالانه ۱.۲ میلیارد دلار ارزش افزوده در کشور، ایجاد حدود ۱.۵ میلیارد دلار کالا و خدمات برای سازندگان، مشاوران و پیمانکاران داخلی، ایجاد ۱۷ هزار شغل در دوران ساخت کل طرح فراگیر پالایشی سیراف و اختصاص ۴ درصد مبلغ سرمایه‌گذاری هر پروژه جهت عمران و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در مناطق اجرای طرح‌ها از اقدامات وزارت نفت در راستای جلوگیری از خام فروشی نفت بوده است. طرح‌های متعدد دیگری نیز برای جلوگیری از خام فروشی اجرا شده و در دست اجراست. از جمله اینکه در شرکت ملی نفت ایران قریب ۵ میلیارد دلار خوراک برای صنایع پایین دستی اختصاص داده می‌شود که عمدتاً میعانات گازی است. در بخش پتروشیمی نیز با اتمام گام دوم و ورود به گام سوم، ۳۷ میلیارد دلار تولید محصولات پتروشیمی در کشور هدف‌گذاری شده است. همچنین در بخش گاز طبیعی احداث واحدهای مبتنی بر گاز طبیعی بعلاوه اتان انجام شده که هرگز استفاده از آن در قبل مطرح نبوده و اتان به همراه گاز سوزانده می‌شده است.

برای حمایت از ساخت داخل و شرکت‌های دانش‌بنیان، قراردادهای متعدد، متنوع و دارای ارزش اقتصادی بالایی، با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، به منظور بهینه سازی فرآیندهای تولید و افزایش ضریب برداشت در میدان‌های نفتی، بخش اکتشاف، بخش پایین دستی نفت و گاز و پتروشیمی در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و شرکت ملی گاز ایران منعقد شده است. همچنین ساخت فناوریانه تجهیزات راهبردی و اولویت‌دار و اقلام استراتژیک صنعت نفت مرتبط با مگا پروژه ساخت ۱۰ گروه خانواده کالایی مورد نیاز صنعت نفت به مراکز علمی و دانش‌بنیان داخلی واگذار شده است. به منظور توجه و حمایت بیشتر از ظرفیت شرکت‌های دانش بنیان در بخش‌های مختلف صنعت نفت و نیز توسعه استارت آپ‌ها، در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰، دستور تشکیل "شورای حمایت از شرکت‌های دانش بنیان در صنعت نفت" ابلاغ شد. در همین زمینه، مدیریت استفاده از محوطه عمومی پژوهشگاه سابق صنعت نفت و بخش‌هایی از انبار کالای ری که دارای زیرساخت‌های بسیار مناسب برای کارهای دانش بنیان است، در اختیار معاونت مهندسی وزارتخانه قرار گرفته است تا از این مجموعه به نحو مناسب برای توسعه استارت آپ ها و شرکت‌های دانش بنیان مرتبط با صنعت نفت بهره گرفته شود.

تحریم اقتصادی و راهبرد اقتصاد مقاومتی

از تحریم اقتصادی می توان تعاریف متنوعی ارائه کرد اما اگر بخواهیم به طور ساده تعریف شود، می توان گفت: «تحریم اقتصادی یعنی دست کاری روابط اقتصادی به منظور اهداف سیاسی» (زهرانی مصطفی، ص ۴). در طی سال های اخیر ایالات متحده امریکا و متحدین راهبردی اش جهت شکست اراده سیاسی جمهوری اسلامی ایران در استقرار صنعت درونزای انرژی هسته ای اقدام به اجرای راهبرد تحریم اقتصادی نموده اند. لازم به ذکر است سابقه تحریم اقتصادی ایران حداقل به اول دهه سی شمسی در زمان ملی شدن صنعت نفت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از سال ۵۷ توسط امریکا بر می گردد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ تحریم اعلام نشده صنعت نفت ایران از سوی غرب به ویژه امریکا رخ داد. تحریم صنعت نفت در آن مقطع از طریق فراخواندن کارشناسان خارجی وعدم تامین قطعات صنعت و به همراه بردن کلیه اطلاعات در مورد کشف منابع جدید نفتی آغاز شد، به طوری که صادرات روزانه نفت خام ۴ میلیون بشکه قبل از انقلاب به یک باره به زیر ۱ میلیون بشکه رسید.

پس از آن طی ۶ دوره ذیل تحریم اقتصادی امریکا تداوم و توسعه یافت که هر دوره دارای ویژگی های خاص خود است:

۱- دوره ابتدایی انقلاب و گروگان گیری (۱۹۷۹-۱۹۸۸).

۲- دوره جنگ ایران - عراق (۱۹۸۱-۱۹۸۸).

۳- دوره بازسازی (۱۹۸۹-۱۹۹۲)

۴- دوره ریاست جمهوری کلینتون (مهار دوجانبه) (۱۹۹۳-۲۰۰۱)

۵- پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱-۲۰۰۷

۶- دوره پس از قطعنامه شورای امنیت و مساله هسته ای (۲۰۰۸-۲۰۱۵)

بنابر وسعت و پیچیدگی اقدامات آخرین دوره تحریم های (طغیانی و همکاران، ص ۲۶۲) دوره آخر مجدداً طرح خواهد شد. با ارسال پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت و اقدامات و فشارهای فشرده سیاسی، امریکا تا کنون شش قطعنامه تحریم در شورای امنیت علیه ایران در سال های مختلف به تصویب رسیده است. قطعنامه های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ در سال ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۷۴۷ در سال ۲۰۰۷، قطعنامه های ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ در سال ۲۰۰۸ و قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسیده است. با توجه به روند قطعنامه ها مشاهده می شود که در قطعنامه های اولیه تمرکز بر تعلیق تمامی فعالیت های هسته ای ایران بوده که در ادامه برخی از اشخاص و نهادها از جمله برخی از بانک ها و نهادهای مرتبط با فعالیت های هسته ای و موشکی و افراد مرتبط با این سازمان ها تحریم شده و فعالیت و داد و ستد با آنان ممنوع می گردد. به طوری که تحریم از حوزه هسته ای ایران به حوزه تامین امنیت ملی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نهادهای مربوطه گسترش یافته است. (همان، ص ۲۷۱)

اثرات راهبردی جنگ قیمتی نفت بر منافع انرژی ایران

بر اساس این گزارش اثرات تصمیمات اوپک و اوپک پلاس بر کشورها بر اساس وضعیت تولید این کشورها، سهم درآمد صادرات نفت در بودجه و اقتصادی داخلی آنها، الگوها و راهبردهای بازاریابی و بازسازی آنها متفاوت است. بی تردید، اثرات شکست فروپاشی توافقات اوپک پلاس بر منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا قابل تحلیل است.

۱- اثرات شکست توافقات اوپک پلاس بر منافع کوتاه مدت ایران از نگاه غیراستراتژیک

- در نگاه غیرراهبردی و اقتصادی صرف، کاهش قیمت نفت منجر به کاهش درآمدهای محدود ناشی از صادرات محدود نفت کشور در فرآیندهای پیچیده دور زدن تحریم گردد.
- دور زدن تحریمها در شرایط کاهش قیمت و افزایش عرضه به صورت موقتی تا زمان خروج نفت شیل از بازار و توازن یابی مجدد بازار و یا توافق مجدد اوپک پلاس دشوارتر خواهد بود. هرچند در بلندمدت به دلیل احتمال خروج نفت شیل از بازار در قیمت های پایین و توازن یابی مجدد عرضه/ تقاضا، هم قیمت جهانی نفت رشد میکند و هم دورزدن تحریمها تسهیل می گردد.
- درآمدهای ناشی از فروش صادرات دیگر بخش های انرژی کشور نظیر قیمت گاز صادراتی، فرآورده های نفتی و محصولات پتروشیمی به دلیل کاهش قیمت نفت نیز کاهش خواهد یافت.

۲- اثرات راهبردی و بلندمدت جنگ قیمتی بر منافع انرژی ایران

- در صورت تکرار چرخه مورد نظر عربستان در کاهش عرضه برای افزایش موقتی قیمت نفت، سهم جهانی نفت شیل در جهان افزایش خواهد یافت. با توجه به جهت گیری شدید نفت صادراتی ایالات متحده به بازارهای هند، ژاپن، کره جنوبی، هند، اتحادیه اروپا و چین، افزایش تولید نفت شیل در پرتو راهبرد عربستان، آینده جایگاه نفت ایران حتی در شرایط غیرتحریمی نیز در این بازارها تهدید جدی خواهد شد.
- یکی از عوامل اصلی زمینه ساز تحریم کامل صادرات نفتی ایران، توسعه شدید نفت شیل بخاطر استراتژی عربستان در کاهش عرضه و افزایش قیمت بوده است. در صورت موافقت روسیه و تداوم سیاست عربستان در تکرار کاهش عرضه و افزایش موقتی قیمت، همین سطح محدود صادرات نفت در دورزدن تحریم نیز در ماه های آتی از بین می رفت زیرا فرآیند جایگزین سازی نفت و گاز شیل در بازارهای ایران جدی تر می شود.
- از نظر راهبردی و بلندمدت، منافع کشورهای چوچون ایران و عراق که دارای الگوی بازسازی سازمان یافته نمی باشند و بیشتر بر تجارت نفت بر اساس عرضه و تقاضای بازار متکی هستند، با سیاست روسیه در وارونه سازی سیاست فعلی اوپک پلاس همنوایی بیشتری دارد. زیرا احتمالاً با کاهش قیمت نفت، حجم بالایی از نفت های پرهزینه از جمله نفت شیل از بازار خارج شده و با توازن یابی مجدد بازار جهانی نفت، امکان بازاریابی نفتی برای این کشورها وجود دارد.
- در حال حاضر بین ایران، عراق از یکسو و کشورهای عربی به رهبری عربستان، تعارض منافع وجود دارد. عربستان بازار صادرات نفتی خود را ایمن کرده و با افزایش قیمت از طریق کاهش عرضه با مشارکت و هزینه حداکثری بر دیگر کشورها، هم به منافع اقتصادی بیشتر دست می یابد و هم با زمینه سازی برای توسعه بیشتر نفت شیل، زمینه برای اعمال فشار بیشتر بر ایران را نیز بیشتر می کند.
- اشتغال نفتی برای دولت ترامپ که دارای برگ برنده موفقیت اقتصادی در مناظرات انتخاباتی ۲۰۲۰ بود، با کاهش قیمت نفت با خطر جدی روبرو می شود. این امر برای منافع ملی کشور ایران که امیدوار است با تغییر قدرت از ترامپ به دموکرات ها، برجام احیاء شده و با تعلیق مجدد تحریم ها زمینه برای ترمیم اقتصاد کشور فراهم گردد، دارای اهمیت راهبردی است. بنابراین، صرف نظر از منافع کوتاه مدت اقتصادی، از نظر منافع بلندمدت اقتصاد نفتی، بازسازی، احیاء برجام در صورت تغییر دولت ترامپ به سود دموکرات ها، راهبرد روسیه در خروج از توافق نفتی برای کاهش قیمت و حذف نفت شیل از بازار با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران همسویی و سازگاری دارد.

۳- ضرورت گریز از صادرات نفت خام محور و تمرکز بر صادرات فرآورده

باید خاطر نشان کرد که مطالعه رفتارهای روسیه و عربستان یک دستاورد تجربی عمیقی را برای تصمیم‌گیران حوزه انرژی و اقتصاد کشور به ارمغان می‌آورد. نفت شیل به دلیل پیشرفت‌های فناوریانه در کاهش هزینه‌های تولید به تغییردهنده بازی Game Changer بدل شده است و آینده اقتصاد نفتی کشور ایران (تأکید می‌شود صرفاً اقتصاد نفتی کشور نه اقتصاد انرژی) نیازمند توجه به موارد ذیل است:

الف) ضرورت گریز از اقتصاد نفتی مبتنی بر صادرات نفت خام محور و تمرکز بر صادرات فرآورده به دلیل برخورداری از تکثر و تنوع بازاری و محتملاً محیط پیرامونی کشور

ب) تمرکز هرچه بیشتر بر گریز از الگوهای اولیه و پایه‌ای صادرات نفت نظیر تجارت انرژی بر اساس عرضه و تقاضای مشتریان به سمت الگوهای ایمن‌سازی تقاضا برای صادرات نفتی در بازسازی با روش‌های متنوعی نظیر Equity Oil شرکت‌های ملی مصرف‌کنندگان، فروش نفت در قالب Total Trade، در صورت امکان اتخاذ روش‌های Buy Demand و نهایتاً ورود به شبکه‌های اتصال انرژی پایدار و بهم پیوسته منطقه‌ای است.

ج) کاهش هرچه بیشتر بودجه کشور از درآمدهای نفتی می‌تواند دیپلماسی نفتی مستقل‌تر و فعالانه‌تر و مؤثرتری را برای منافع راهبردی و بلندمدت کشور به جای تمرکز بر منافع اقتصادی کوتاه‌مدت ولی به ضرر منافع کلان کشور را زمینه‌سازی کند.

راهبرد جدید دیپلماسی انرژی ایران رویکردها و نتایج

توسعه ارتباطات و تعاملات در تمامی سطوح از کارشناسی تا وزارتی در سازمان‌های بین‌المللی فعال درحوزه انرژی را باید یک اصل مهم در پیشبرد دستاوردها و راهبردهای دیپلماسی انرژی در وزارت نفت در دولت سیزدهم به شمار آورد. در راستای تحقق وعده‌های کیفی و راهبردی وزارت نفت در حوزه دیپلماسی انرژی، راهبرد جدید کشورمان در عرصه تحولات و فعالیت‌های سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF)، مجمع بین‌المللی انرژی (IEF) و حوزه تغییراقلیم مبتنی بر مؤلفه‌ها و رویکردهای مشخصی دنبال شده است.

برخی از مهم‌ترین این رویکردها را می‌توان به شرح ذیل ارائه کرد:

الف) سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)

۱. مشارکت فعال در تصمیمات اجلاس کنفرانس اوپک و اجلاس اوپک پلاس در زمینه تحولات بازار نفت: در چهارچوب کنفرانس وزارتی اوپک، تعامل سازنده با وزیران سایر کشورهای عضو در زمینه فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان و دبیرخانه، تحولات بازار جهانی نفت و همکاری با تولیدکنندگان غیراوپک، از مهمترین مؤلفه‌های راهبرد جدید دیپلماسی انرژی ایران از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم بوده است. جمهوری اسلامی ایران به رغم معافیت از توافق کاهش تولید اوپک پلاس به دلیل تحریم‌های ظالمانه و یکجانبه امریکا، همواره به شکل مؤثر و فعال در اجلاس‌های وزارتی اوپک پلاس شرکت کرده و توانسته است نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود در زمینه تحولات بازار نفت و تصمیمات مقتضی با آن را در عالی‌ترین سطح در اجلاس وزارتی مطرح و پیگیری کند. در این زمینه، همراهی و حمایت از تصمیمات اوپک پلاس برای جلوگیری از برهم خوردن ثبات نسبی حاکم بر بازار، از جمله مهمترین اثرگذاری‌های هیأت نمایندگی کشورمان در اجلاس‌های وزارتی اوپک پلاس در یک سال گذشته بوده است.

۲. پیشبرد دیپلماسی انرژی در سمینار اوپک: وزیر نفت به عنوان یکی از سخنرانان اصلی در دومین نشست وزارتی روز اول هشتمین سمینار بین‌المللی اوپک با عنوان «سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و راهبردهای رشد فراگیر نفت» شرکت کرد و به تبیین اصول و مؤلفه‌های دیپلماسی انرژی کشور در دولت سیزدهم پرداخت. تأکید بر ضرورت سیاست زدایی از تصمیمات و اقدامات جهانی در بازارهای نفت و انرژی، افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت و گاز ایران به رغم محدودیت‌های ایجاد شده ناشی از تحریم‌های ظالمانه، جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید برای توسعه بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی صنایع نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه نفت و انرژی و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در زمینه بهینه‌سازی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های راهبرد دیپلماسی انرژی ایران برجسته شد. همچنین در حاشیه این سمینار، دیدارهای دوجانبه با وزیران نفت و انرژی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق، مصر، گینه استوایی (رئیس کنفرانس وزارتی اوپک) و دبیران کل مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) و مجمع بین‌المللی انرژی (IEF) در فضایی بسیار سازنده برگزار شد و توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی بویژه در بخش انرژی مورد استقبال و تأکید وزیران کشورهای فوق‌الذکر قرار گرفت.

۳. مشارکت مؤثر در جلسات مدیریت: افزون بر اجلاس‌های وزارتی، نمایندگان وزارت نفت در راستای اجرای راهبرد جدید دیپلماسی انرژی کشور نقشی فعال و مؤثر در جلسات اوپک در سطح مدیریتی (هیأت عامل و کمیسیون اقتصادی اوپک) و رویدادهای کارشناسی داشته‌اند.

(ب) مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF)

استفاده بهینه از ظرفیت‌های مجمع کشورهای صادرکننده گاز از طریق دبیرخانه مجمع و شرکت مؤثر در اجلاس‌های سران و وزرای مجمع به منزله ابزاری کارآمد برای گسترش روابط چند جانبه و دوجانبه با کشورهای عضو دائم و ناظر مجمع به منظور نیل به اهداف تعریف شده در دیپلماسی انرژی به منظور حفظ و ارتقای منافع ملی کشور.

ایجاد مسیری برای دسترسی به آخرین منابع علمی و تحقیقی در خصوص آخرین تحولات بازار گاز و انتقال به داخل کشورمان از طریق اعزام نیروهای کارآمد به دبیرخانه مجمع و کسب سمتهای کارشناسی و کلیدی دبیرخانه مجمع.

(ج) مجمع بین‌المللی انرژی (IEF)

با عضویت در مجمع بین‌المللی انرژی، گفت‌وگوهای مستمر میان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی عضو مجمع و همچنین کشورهای ترانزیت‌کننده انرژی تسهیل شده است. تلاش جمهوری اسلامی ایران در خلال نشست‌های گوناگون مجمع بین‌المللی انرژی با هدف امنیت عرضه و تقاضا و دفاع از منافع کشور تعریف شده است و با هدف ارتقای سطح مصرف گاز طبیعی نمایندگان کشورمان در جلسات هیأت اجرایی مجمع بین‌المللی انرژی، همواره لزوم سرمایه‌گذاری در بخش گاز را مورد تأکید قرار داده‌اند.

(د) حوزه تغییر اقلیم

دبیرخانه کارگروه تغییر اقلیم در اختیار مدیریت کل امور اوپک و روابط با مجامع انرژی وزارت نفت است. در این راستا، طی دو سال فعالیت دولت سیزدهم، نمایندگان وزارت نفت در مذاکرات جهانی اقلیمی در چهارچوب کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل (UNFCCC) و موافقت‌نامه پاریس که اکنون‌گذار سریع‌تر به انرژی پاک را با هدف کنترل گرمایش جهانی هدف‌گذاری کرده است، مشارکت داشته‌اند.

وزارت نفت علاوه بر حضور و مشارکت در جلسات بین المللی مرتبط، به طور مستمر تحولات بین المللی انرژی و اقلیمی را رصد و تحلیل می کنند. نمایندگان این وزارتخانه در مجامع و محافل بین المللی با همراهی سایر اعضای اوپک و مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) سعی کرده اند فناوری های کربن زدایی، نفت و گاز بخشی از راه حلی باشد که به توسعه پایدار، همراه با حفظ امنیت انرژی و دسترسی همگان به انرژی مدرن و مقرون به صرفه منتهی شود.

به طور مشخص در فرایند تصمیم سازی های آتی در حوزه تغییر اقلیم مشارکت مطلوبی از جانب وزارت نفت کشورمان صورت گرفته و در این رابطه تلاش شد همسو با مواضع مشترک اعضای اوپک، گزارش های ارزیابی از نگاه علم ی و کارشناسی شده به ابعاد و نگرانی های کشور در خصوص آثار و تبعات تغییر اقلیم، نیازهای مالی و فناوری و نیز تأثیرات اجرای سیاست های مقابله با تغییرات اقلیمی بر کشورهای صادرکننده نفت، پرداخته شود. وزارت نفت همچنین توانسته است از امکانات و ظرفیت های دبیرخانه اوپک و دبیرخانه مجمع کشورهای صادرکننده گاز برای ارتقای دانش و تبادل تجربیات در زمینه مذاکرات جهانی تغییر اقلیم، مواجهه با سیاست های اقلیمی افراطی و هم اندیشی در قالب کارگاه های تخصصی از جمله توسعه هیدروژن استفاده مؤثری کند.

به علاوه، دبیرخانه کارگروه تغییر اقلیم وزارت نفت با هدف انجام بررسی ها و ارزیابی های علمی اقلیمی در موضوعاتی نظیر گذار جهانی انرژی، سازگاری با اقلیم، تبعات سیاست های اقلیمی جهان و راهکارهای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای در صنعت نفت، بهره گیری از ظرفیت های علمی موجود در وزارت نفت و نیز دانشگاه های صنعتی شریف و دانشگاه تهران را در دستورکار قرار داده است.

تحریم های اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی

اگرچه اتحادیه فوق از دیرباز تحریم هایی را علیه ایران اعمال کرده بود، اما در فاصله سال های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ شدت فوق العاده ای یافت و در برگیرنده زمینه های غیرنظامی و غیرهسته ای مانند سرمایه گذاری مشترک در ایران، فروش یا انتقال تجهیزات و فناوری انرژی، خدمات کشتیرانی، بیمه، بانک ها، نقل و انتقال طلا و بالاخره در تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۳ آن اتحادیه عقد هر گونه قرار داد جدید واردات نفت و فرآورده های نفتی از ایران را ممنوع اعلام کرد.

تحریم های سایر کشورها

علاوه بر تحریم مصوب شورای امنیت و در پی اقدامات تهدیدآمیز امریکا تعدادی از کشورها هم چون چین، هند، بلژیک، سوئیس و انگلستان تحریم های مضاعف و البته با شدت متفاوت علیه جمهوری اسلامی ایران طی سال های اخیر (۲۰۰۸ - ۲۰۱۳) وضع کردند.

دوره جدید تحریم های اقتصادی (تحریم های سخت) ۲۰۰۸ تاکنون

پس از ناکام شدن تلاش امریکا و متحدینش برای لطمه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران به کمک زمینه سازی و سازماندهی اغتشاشات داخلی در سال ۱۳۸۸، یک روند از سیاست گذاری و قانون گذاری در امریکا به طور مشخص با هدف تقویت گروه های مخالف بر علیه ایران صورت گرفته است که این مطلب در گزارش تحقیقاتی مجلس نمایندگان به طور صریح آمده است (گزارش مرکز تحقیقات کنگره امریکا در مورد تحریم های ایران، ص ۸۲).

در این مرحله موج تراکم یافته قطعنامه‌های تحریم اقتصادی ایران ابتدا در امریکا و سپس توسط اتحادیه اروپا تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد که برای نمونه به مصوبات ذیل توسط نهادهای قانون گذاری امریکا اشاره می شود:

۱- در قانون جامع تحریم ایران (۲۰۱۰) تعریف سرمایه گذاری به طوری اصلاح شد که نه تنها سرمایه گذاری در منابع انرژی فسیلی ایران هم چنان مورد تحریم قرار گرفت، بلکه سرمایه گذاری در طرح های خط لوله به سمت ایران یا عبورکننده از ایران را نیز در بر می گرفت همچنین از بانک صادرات و واردات امریکا خواسته شده از اعطای اعتبار به آن دسته از شرکت هایی که بنزین و خدمات و تجهیزات مرتبط با آن را به ایران فروخته باشند، خودداری کند (همان، ص ۱۴).

۲- در قانون تحریم ایران (۲۰۱۱)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و فعالیتهای آن تحت تحریم قرار گرفت و هرگونه ارتباط با آن ممنوع اعلام شد.

۳- از تاریخ ۲۰۱۲ خرید نفت خام از ایران ممنوع و کشورها صرفاً تحت شرایط خاص و با داشتن روند نزولی زیاد در خرید به صورت دوره ای از آثار تنبیهی ناشی از این تحریم معاف شدند.

۴- از سال ۲۰۱۰ تاکنون کشورهای عضو اتحادیه اروپا تحریم هایی را تقریباً به سختی تحریم های آمریکا علیه ایران را عمل کرده اند. این تحریم ها در چارچوب ۱۳ مصوبه از ۲۰۱۰ الی دسامبر ۲۰۱۳ صورت گرفت.

در دوره فوق ۲۰۱۰-۲۰۱۳ یک الگوی تحریم اقتصادی چند لایه هوشمند توسط امریکا و متحدینش علیه جمهوری اسلامی ایران به مورد اجرا قرار گرفت که تحریم های مصوب شورای امنیت و به طور مشخص قطعنامه ۱۹۲۹ بخش بسیار کوچکی از آن را شامل می شد. تحریم های دوره فوق در برگیرنده حداقل ۱۰ لایه ذیل است:

۱- کم کردن درآمد ارزی کشور ایران از طریق تحریم تقریباً کامل واردات نفت اروپا و تحریم نسبی واردات محصولات پتروشیمی و میعانات و فرآورده های نفتی.

۲- عدم امکان تقریبی استفاده از در آمد ارزی کشور مثلاً از طریق فروش نفت جهت واردات کشور، از طریق مسدود کردن مبادلات بانکی ب بین الملل.

۳- عدم امکان تامین مالی واردات و خرید اعتباری از طریق بانک ها و نهادهای مالی.

۴- عدم امکان استفاده از شبکه پیام های الکترونیکی بانکی بین الملل (سوئیفت) برای تعدادی از بانک های بزرگ کشور.

۵- عدم امکان تقریبی استفاده از خدمات پشتیبانی کننده صادرات و واردات هم چون خدمات کشتیرانی و بیمه.

۶- عدم امکان تبدیل ارزهای محلی به ارزهای قابل تبدیل جهان روا (یاسخت) برای بانک های تجاری و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۷- پایین آوردن قیمت نفت به کمک تشویق رقبای ایران در بازار نفت به افزایش عرضه به موازات اجرای مصوبات تحریم

۸- عدم امکان تبدیل آزاد ارز به طلا و بالعکس با هدف مسدود کردن صادرات و واردات کشور علی الخصوص در حوزه کالاهای سرمایه ای و واسطه ای

۹- تحریم بانک مرکزی و مسدود شدن بخشی از دارایی های آن

۱۰- تسری ممنوعیت های مبارزه با پول شویی به مبادلات تجاری با ایران.

راهبرد اقتصاد مقاومتی

در مقابل مجموعه تحریم‌های سخت اقتصادی علی‌الاصول سه راهبرد به شرح ذیل می‌تواند داشته باشد:

۱- اقتصاد سعی نماید فشار ناشی از تحریم‌ها را به حوزه سیاست‌گذاری انتقال دهد. یعنی حوزه سیاست‌گذاری خواسته‌های خصم (تحریم‌کنندگان) را بپذیرد. جدا از آثار منفی بلندمدت این روش، تجربه تاریخ اقتصاد ایران مثلاً در قرن نوزدهم نشان می‌دهد که این رویکرد منجر به طرح خواسته‌های جدید هم راه با طراحی مجدد فشار از طریق تحریم‌های جدید خواهد شد.

۲- اقتصاد تحریم‌ها را دور بزند، یعنی همواره سعی در پیدا کردن منافذی برای کم اثر کردن تحریم‌ها باشد. این راهبرد هر چند در کوتاه‌مدت باعث کاهش آثار منفی تحریم می‌شود، اما در بلندمدت و با تشدید تحریم‌ها و سخت شدن یا بسته شدن منافذ امکان تداوم ندارد. رویکرد انفعالی نظام پیشین عراق در مواجهه شدن با تحریم‌ها بر مبنای این راهبرد بود که به تشدید آثار تحریم‌ها در زندگی اقتصادی مردم عراق منجر می‌شد.

۳- اقتصاد نه انتقال‌دهنده فشار تحریم‌ها به حوزه سیاست‌گذاری و نه دور زدن تحریم‌ها را اجرا کند، یعنی نه رویکرد تسلیم را اختیار کند و نه انفعال در مقابل امواج تحریم‌ها را، بلکه تعامل مؤثر و فعال با تحریم‌ها برقرار کند. چنین رویکرد چارچوب راهبرد اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد.

در مقابل راهبردهای سخت معرفی شده، راهبرد مقاومتی در سال ۱۳۹۱ توسط مقام معظم رهبری طرح شد. بر اساس مجموعه فرمایشات ایشان و نظرات اقتصاددانان به اختصار می‌توان اقتصاد مقاومتی را «راهبرد پیشرفت کشور در شرایط وجود عوامل جدی اختلال‌زای عمدتاً با منشأ بیرونی» دانست. ترتیبات راهبرد اقتصاد مقاومتی در برگرفته مجموعه‌ای از نظامات یا ترتیبات فرعی است. برای مثال می‌توان به ترتیبات لازم در ایجاد فناوری، توسعه فناوری، انتقال فناوری، بودجه‌ریزی و مالیه دولت و تجارت خارجی اشاره کرد. ضمناً ترتیبات فوق دارای قدر مشترک‌هایی با یکدیگر راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه فناوری است.

راهبرد اقتصاد مقاومتی در کسب فناوری

جهت تبیین راهبرد اقتصاد مقاومتی در کسب فناوری مقدمات ذیل ارائه می‌شود:

فناوری به کارگیری دانش در عرصه صنعت تعریف می‌شود به عبارت دیگر فناوری بخشی از دانش کاربردی است که مشخصه اصلی آن «فوت و فن» یا «کاردانی» و حاصل آن به دست آوردن فرآوردن صنعتی طبق برنامه است. برنامه ذکر شده دارای لایه‌های مختلفی می‌باشد که متعاقباً توضیح داده خواهد شد.

مراحل کسب فناوری

۱- بهره‌برداری (به کار انداختن)

این مرحله که نازل‌ترین مرتبه کسب فناوری است. بهره‌بردار رأساً می‌تواند از خط تولید و تجهیزات نصب‌شده در آن با وجود پشتیبانی همه‌جانبه بهره‌برداری نماید، یعنی تولید صنعتی استحصال کند. امروزه نوعاً تمام بنگاه‌های صنعتی کشور این مرتبه از فناوری را دارا می‌باشند در صورتی‌که در چند دهه قبل در بخشی از صنایع مانند نفت و گاز این توانایی در داخل وجود نداشت.

۲- تعمیر و نگهداری

در این مرحله واحد بهره‌بردار می‌تواند تعمیرات پیش‌بینی شده خط تولید و تجهیزات نصب شده در آن را انجام دهد. این مرحله خود به دو مرحله تفکیک می‌شود تعمیرات و نگهداری به کمک نهاده‌ها علی‌الخصوص قطعات وارداتی و تعمیرات و نگهداری به کمک نهاده‌ها و قطعات ساخت داخل.

امروزه تقریباً تمام بنگاه‌های صنعتی در داخل مرتبه‌ای از این مرحله را که حداقل آن توان تعمیرات و نگهداری به کمک قطعات خارجی است را دارا می‌باشند، بلکه عمدتاً می‌توانند این کار را یا به کمک قطعات ساخت داخل یا ترکیبی از قطعات داخلی و خارجی به سرانجام رسانده، تولید صنعتی را تداوم بخشند. این توانایی به خاطر انجام فرآیند مشابه‌سازی (کپی‌سازی) حاصل شده است.

۳- ساخت تجهیزات

در این مرحله واحد بهره‌بردار می‌تواند تمام یک تجهیز را یا قبل از بهره‌برداری جهت ساخت به داخل سفارش داده یا با مستهلک شدن آن نمونه مشابه را در داخل تهیه و نصب کند. واحد سازنده تجهیز می‌تواند همان واحد بهره‌بردار یا واحد دیگری باشد که معمولاً این‌طور است.

امروزه این امکان در بخشی از صنایع علی‌الخصوص در حوزه تجهیزات کنترل و الکترونیکی به کمک قطعات وارداتی ایجاد شده است. در حوزه تجهیزات مکانیکی و ابزار دقیق امکان ساخت داخل بالنسبه کم‌تر است.

۴- مهندسی فرآیند

یک خط تولید فرآیندی است که مجموعه‌ای از تجهیزات را برای تولید محصول در داخل خود به خدمت می‌گیرد. طراحی چنین مجموعه‌ای در واقع طراحی فرآیند تولید محصول است که مستلزم توانایی مهندسی فرآیند می‌باشد. به جز در صنایع نظامی و موارد محدود دیگر، امروزه این توانایی در عمده صنایع کشور موجود نیست.

۵- مهندسی توسعه فرآیند

ممکن است با تغییرات محیط بیرونی واحد صنعتی مثلاً افزایش قیمت نسبی انرژی و یا تغییرات در محیط درونی واحد صنعتی مثلاً تغییر اهداف راهبردی واحد صنعتی به توسعه و تحول در مهندسی فرآیند موجود نیاز باشد که انجام آن مستلزم توانایی سطح بالاتری از مهندسی فرآیند که شامل ابداع در فرآیند باشد است. امروزه این توانایی به ندرت در صنایع کشور موجود است.

نسبت مراحل کسب فناوری با راهبردهای مختلف

۱- با اتخاذ راهبرد تسلیم در مقابل تحریم‌های سخت اقتصادی، که البته در کشورهای اجرا شده با ادبیات خاص سیاسی و محترمانه‌ای انجام می‌شود، نباید انتظار هیچگونه تغییری در کسب فناوری داشت، بلکه با برداشته شدن تحریم‌های سخت، الگوی فعالیت صنعتی و کسب فناوری مانند قبل احیاء شده و به حیات خود ادامه خواهد داد. در ذیل این راهبرد طی نمودن مراحل کسب فناوری صرفاً در چارچوب قراردادهای تصویب شده، طرف‌های خارجی مانند خرید دانش فنی خواهد بود.

۲- با اتخاذ راهبرد دور زدن تحریم‌های سخت اقتصادی، الگوی فعالیت صنعتی در کلیت خود تغییراتی خواهد کرد، اما این تغییرات همه‌جانبه و بنیادین نخواهد بود. به عبارت دیگر با افزایش نسبی قیمت نهاده وارداتی امکان کسب فناوری در لایه‌هایی فراهم می‌شود. این امکان علی‌الخصوص در حوزه مهندسی معکوس برای ساخت قطعه در داخل قابل پیش‌بینی است. به عبارت دیگر حداکثر توان این راهبرد طی کردن مراحل اول و دوم کسب فناوری است.

۳- راهبرد اقتصاد مقاومتی طی نمودن تمام مراحل کسب فناوری را با اولویت‌بندی هدف‌گذاری می‌نماید، زیرا استقرار صنعت قائم به ذات مستلزم طی نمودن فراگیر تمام مراحل ذکر شده کسب فناوری در چارچوب تعامل مؤثر و فعال با محیط بیرونی اقتصاد است.

چون راهبرد اقتصاد مقاومتی در پی استقرار صنعتی درون‌زا و برون‌نگر در شرایط اعمال تحریم‌های سخت اقتصادی است، لذا در چارچوب تعامل مؤثر و فعال با محیط بیرونی اقتصاد سعی در توسعه مراحل کسب فناوری می‌باشد. از این‌رو هرچند نمی‌توان طی نمودن تمام مراحل پنجگانه کسب فناوری را برای تمام صنایع در ذیل این راهبرد قرار داد، اما از یک طرف می‌توان خیزش اساسی را برای گسترش مراحل پنجگانه ذکرش بیان نمود و از طرف دیگر می‌توان ضرورت حتی‌المقدور طی شدن این مراحل را برای صنایع راهبردی و حیاتی که محصولات آن‌ها تأمین‌کننده امنیت ملی کشور است ذکر کرده. به عبارت دیگر در این راهبرد انتقال فناوری فقط از مجاری رسمی و تعریف شده از مبادی آن مانند خرید دانش فنی امکان‌پذیر نیست، بلکه هرچند در موارد ممکن از روش اخیر می‌توان بهره برد، اما سایر روش‌های مؤثر نیز باید مورد توجه باشد. که نتیجه آن گذر از راه‌های میان‌بر برای نیل به پیشرفت صنعتی در سایه کسب فناوری است.

هر اقتصادی امکان دارد در رشته‌های قلیلی از فعالیت‌های صنعتی ۵ مرحله ذکر شده کسب فناوری را طی کرده باشد، اما آنچه در ذیل راهبرد اقتصاد مقاومتی می‌گنجد طی نمودن این مراحل به صورت انبوه برای تمامی صنایعی است که یا خود صنایع راهبردی می‌باشند، یا در چارچوب مزیت نسبی اقتصاد ملی با لحاظ کردن ظرفیت‌های خلق مزیت نسبی قرار دارند. بر مبنای توضیحات ارائه شده از راهبرد کسب فناوری در چارچوب اقتصاد مقاومتی روابط بین صنعتی بین رشته‌های مختلف صنعتی در داخل به شدت ارتقاء می‌یابد زیرا همراه شدن با مدیریت فناوری ویژگی مشترک غالب فعالیت‌های صنعتی خواهد شد.

سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد:

۱. تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

۳. محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۵. سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
۷. تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.
۹. اصلاح و تقویت همه‌جانبه‌ی نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
۱۰. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:
 - تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
 - گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
 - تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
 - برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.
 - استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
 - ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
۱۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
۱۲. افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:
 - توسعه‌ی پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان.
 - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.
 - استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
۱۳. مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
 - انتخاب مشتریان راهبردی.
 - ایجاد تنوع در روش‌های فروش.
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
 - افزایش صادرات گاز.
 - افزایش صادرات برق.
 - افزایش صادرات پتروشیمی.
 - افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.

۱۴. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیتهای تولید نفت و گاز، بویژه در میادین مشترک.

۱۵. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآوردههای نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶. صرفهجویی در هزینههای عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقیسازی اندازهی دولت و حذف دستگاههای موازی و غیرضرور و هزینههای زاید.

۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹. شفافسازی اقتصاد و سالمسازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیتها و زمینههای فسادزا در حوزههای پولی، تجاری، ارزی و ...

۲۰. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهرهوری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیطهای علمی، آموزشی و رسانهای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۲. دولت مکلف است برای تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگسازی و بسیج پویای همهی امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و بکارگیری ظرفیتهای علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.

- رصد برنامههای تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.

- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرحهای واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلالهای داخلی و خارجی.

۲۳. شفاف و روانسازی نظام توزیع و قیمتگذاری و روزآمدسازی شیوههای نظارت بر بازار.

۲۴. افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

آسیبشناسی اقتصاد ایران به لحاظ وابستگی به بخش نفت و پیامدهای آن

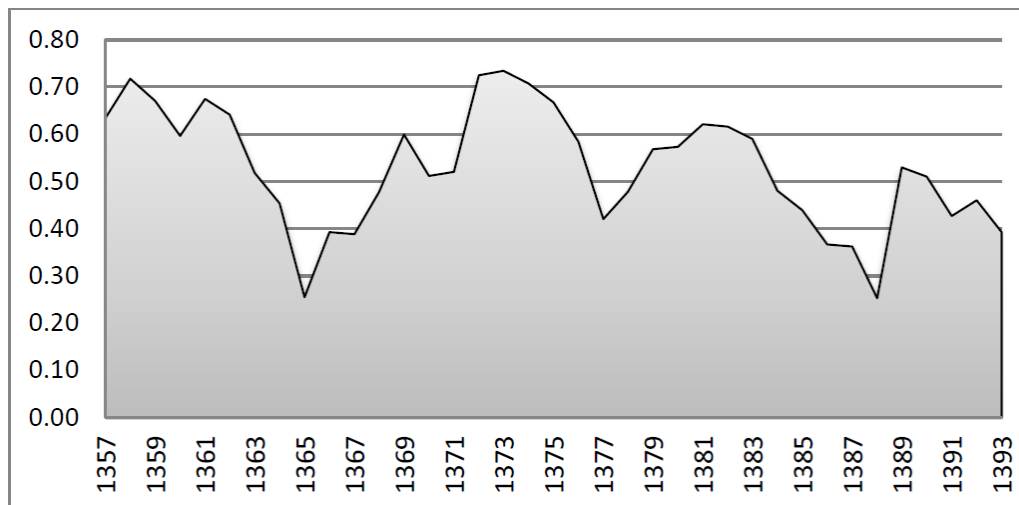
نحوه استفاده از فواید حاصل از منابع طبیعی بهویژه نفت همواره مورد توجه سیاستمداران و متخصصان اقتصادی و سیاسی بوده، به نحوی که عملکرد کشورهای مختلف برخوردار از منبع طبیعی نفت نشان می دهد که این ثروت بادآورده می تواند هم آفریننده و هم مخرب باشد. نکته حائز اهمیت در مورد نفت نحوه مدیریت درآمدهای حاصل از این منبع طبیعی است. در ایران بسیاری از صاحب نظران اقتصادی و سیاسی بر این باورند که ثروت نفت عملکرد اقتصادی کشور را تحلیل برده و اثر سوئی بر ساختار اقتصادی کشور داشته است به گونه ای که از ثروت نفت در کشور به مثابه بلا و نفرین نیز یاد می شود.

تبیین وابستگی اقتصاد ایران به نفت

از دیرباز نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن نقش کلیدی در اقتصاد ایران داشته چراکه در سید درآمدی دولت از وزن بالایی برخوردار است. نفت از کانالهای مختلف بر اقتصاد ایران اثرگذار است که شامل سهم دولت از درآمدهای نفتی، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی و سهم شرکت ملی نفت از درآمدهای نفتی است. در مورد صندوق توسعه ملی و شرکت ملی نفت فقط به ذکر این نکته کفایت می‌کنیم که هر چقدر سهم این دو نهاد افزایش یابد و درآمد کمتری از بابت نفت نصیب دولت شود، عواید حاصله برای اقتصاد ایران نیز بیشتر خواهد بود، چراکه ماهیت این دو نهاد داشتن نگاه سرمایه‌ای به این درآمدها بوده و هر دو نهاد فوق، درآمدهای مربوط به سهم خود از صادرات نفت را برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور (صندوق توسعه ملی) و صنعت نفت کشور (شرکت ملی نفت) هزینه می‌کنند.

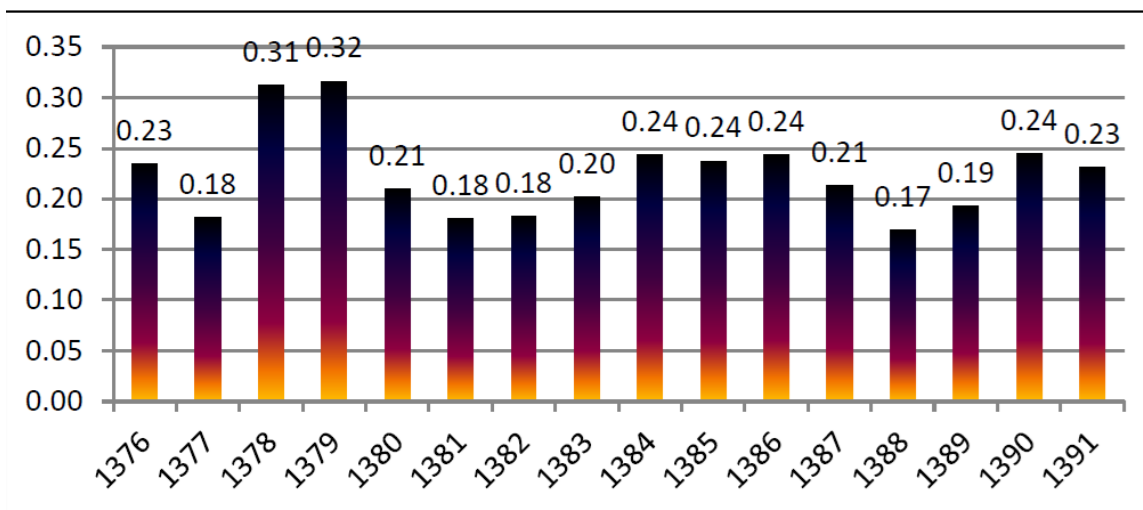
دولت به‌عنوان نهاد سوم که از درآمدهای نفتی سهم می‌برد نقش حائز اهمیتی در اقتصاد ایران دارد. درآمدهای نفتی که نصیب دولت می‌شود از کانالهای مختلفی بر اقتصاد ایران اثرگذار است که در صورت وارد شدن هرگونه خدشه به درآمدهای نفتی، اقتصاد ایران نیز متأثر می‌شود. نخستین کانال اثرگذاری درآمدهای نفتی مربوط به مخارج جاری دولت است. دولت با عنایت به عدم کفاف درآمدهای مالیاتی نسبت به هزینه‌های خود همواره اقدام به تبدیل ارز ناشی از درآمدهای نفتی به ریال و تأمین بخشی از هزینه‌های جاری می‌کند. از این‌رو هرگونه اختلال در درآمدهای نفتی از کانال مخارج جاری دولت، بر اقتصاد ایران اثرگذار خواهد بود. کانال دیگر مربوط به هزینه‌های عمرانی دولت است. یکی از اصلی‌ترین منابع تشکیل سرمایه دولتی مربوط به درآمدهای ناشی از صادرات نفت است. بنابراین چنانچه در این منبع درآمدی اختلالی ایجاد شود باعث متأثر شدن هزینه‌های عمرانی دولت شده و از آن طریق نیز بر رشد سرمایه‌گذاری و در نهایت رشد اقتصادی اثر سوء خواهد داشت. بنابراین تغییر در رشد اقتصادی باعث تغییر در درآمد ملی شده و از این طریق بر مصرف نهایی و پس‌انداز بخش خصوصی نیز تأثیرگذار خواهد بود. کانال دیگر مربوط به بازار ارز است. می‌دانیم که دولت تأمین‌کننده اصلی ارز در بازار ارز کشور است که تبعیت زیادی از ارزهای حاصل از صادرات نفت دارد. بنابراین چنانچه اختلالی در درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت به‌وجود آید، باعث متأثر شدن بازار ارز (افزایش نرخ ارز) شده و از آن طریق نیز اثرات سوء بر بدنه اقتصاد ایران خواهد داشت.

تبیین آماری جایگاه نفت در اقتصاد ایران می‌تواند هم به‌طور مستقیم (شامل اثرات مستقیم ناشی از درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران) و هم به‌طور غیرمستقیم (شامل اثرات غیرمستقیم ناشی از درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران) باشد. یکی از اثرات مستقیم درآمدهای نفتی مربوط به نقش درآمدهای نفتی در بودجه عمومی دولت است. نمودار (۱) نشان‌دهنده آمار مربوطه است. مشاهده می‌شود که طی دوره (۱۳۹۳-۱۳۵۷) در عمده سالها سهم درآمدهای نفتی از بودجه دولت بالغ بر ۵۰ درصد و حتی در برخی سالها (سالهای ۱۳۵۸ و سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۲) بالغ بر ۷۰ درصد نیز بوده است. این آمار حاکی از اتکای بالای بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی است.



نمودار ۱. سهم درآمدهای نفتی از بودجه عمومی دولت

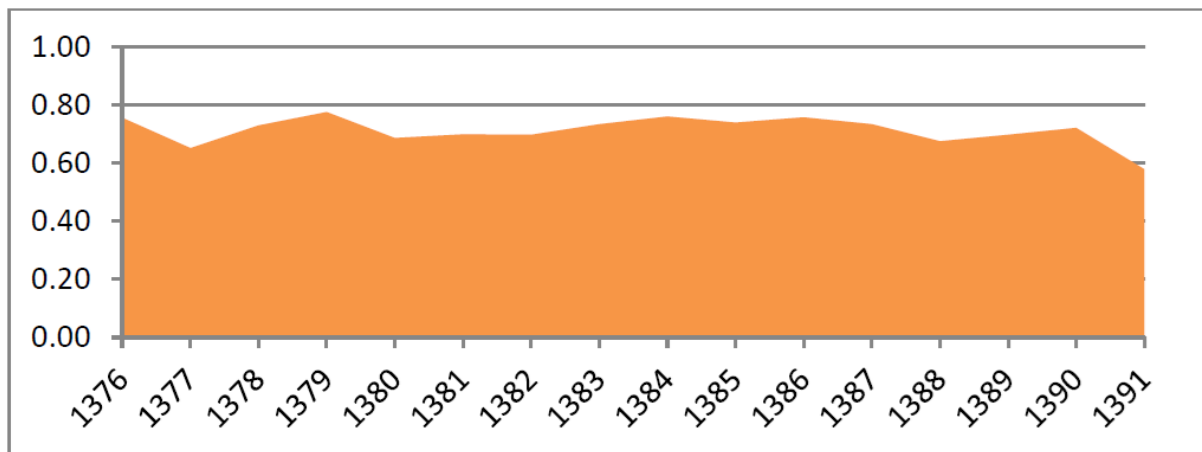
نمودار (۲) نشان‌دهنده نسبت صادرات نفتی به تولید ناخالص داخلی است. همانگونه که مشاهده می‌شود سهم صادرات نفتی در تولید ناخالص داخلی کشور رقم نسبتاً بالایی است، به‌طوریکه طی دوره (۱۳۷۶-۱۳۹۱) بیشترین سهم مربوط به سال ۱۳۷۹ با ۳۲ درصد و کمترین سهم مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۱۷ درصد می‌باشد. به‌طور متوسط در دوره مورد بررسی، سهم صادرات نفتی از تولید ناخالص داخلی برابر با ۲۲ درصد است که رقم نسبتاً بالایی بوده و حاکی از وابستگی تولید ناخالص داخلی کشور به صادرات نفت می‌باشد. نکته مهم این است که نسبت صادرات نفت به تولید ناخالص داخلی، از روندی نزولی برخوردار است.



نمودار ۲. نسبت صادرات نفت به تولید ناخالص داخلی

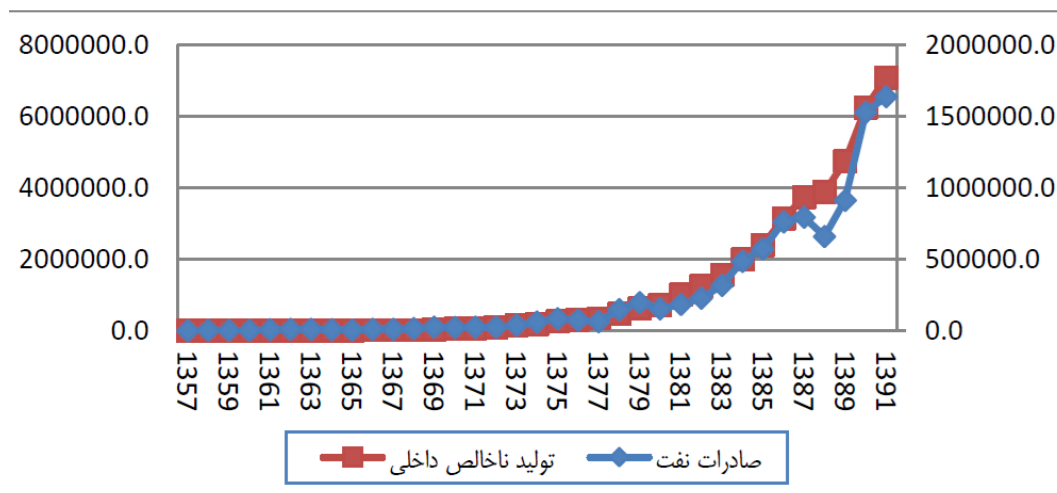
یکی دیگر از شاخص‌هایی که به‌طور مستقیم می‌تواند نشان‌دهنده وابستگی اقتصاد کشور به نفت باشد سهم ارز حاصل از صادرات نفت از کل ارز ورودی به کشور است. مطابق نمودار (۳) همواره سهمی بالغ بر ۶۰ درصد از کل ارز ورودی به کشور به‌خاطر ارز ناشی از صادرات نفتی بوده به‌طوریکه در برخی سالها به مرز ۸۰ درصد نیز رسیده است. این آمار حاکی از وابستگی

شدید ارز مورد نیاز در داخل کشور به ارز حاصل از صادرات نفت بوده و بسیار نگرانکننده است، چراکه چنین درجه بالایی از وابستگی ارز کشور به نفت می‌تواند در مواقعی نظیر تحریم‌ها که امکان صادرات نفت و حصول درآمدهای ارزی میسر نیست، بسیار خطرناک باشد.



شکل ۳. نمودار ارزش نفتی از کل ارزش ورودی به کشور

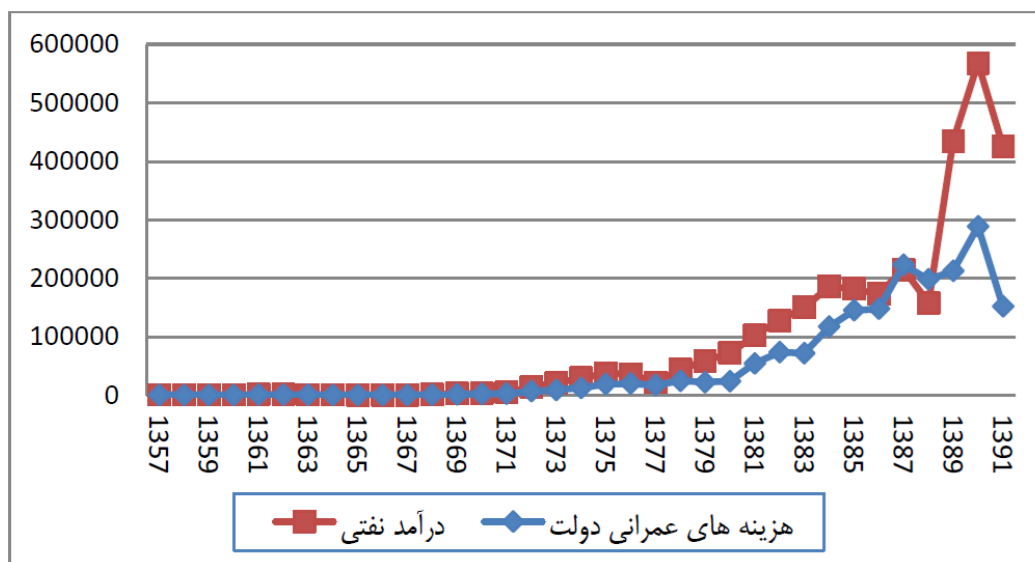
علاوه بر اثرگذاری مستقیم نفت بر اقتصاد ملی، به‌طور غیرمستقیم نیز اقتصاد ایران از بخش نفت اثر می‌پذیرد. نمودار (۴) نشان‌دهنده روند تغییرات صادرات نفتی و تولید ناخالص داخلی است. مشاهده می‌شود که روند تغییرات دو متغیر کاملاً شبیه بوده، به‌طوری‌که روند حرکتی GDP طی دوره مورد بررسی کاملاً تابعی از روند حرکتی صادرات نفتی است. بنابراین علی‌رغم کاهش مستقیم سهم صادرات نفتی در GDP، به‌طور غیرمستقیم وابستگی GDP به صادرات نفتی وجود داشته و افزایش نیز یافته است.



نمودار ۴. روند تغییرات صادرات نفت و تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)

نمودار (۵) نشان‌دهنده یکی دیگر از اثرات غیرمستقیم نفت بر اقتصاد ایران است. در این نمودار روند تغییرات دو متغیر هزینه‌های عمرانی دولت (شاخصی از سرمایه‌گذاری بخش دولتی) و درآمدهای نفتی (سهم دولت) نشان داده شده است. دو متغیر مذکور از روند مشابهی برخوردارند و این نشان‌دهنده همبستگی بین دو متغیر می‌باشد. با توجه به اینکه منبع اصلی دولت

برای تأمین هزینه‌های عمرانی مربوط به درآمدهای نفتی است، از این طریق نیز نقش نفت (نقش غیرمستقیم نفت) در اقتصاد ایران به‌وضوح قابل مشاهده است. نکته قابل ذکر مربوط به سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ می‌باشد که اختلاف بین روند دو متغیر بیشتر شده که دلیل آن نیز مربوط به رشد شدیدتر درآمد نفتی نسبت به رشد هزینه‌های عمرانی دولت است.



نمودار ۵. روند درآمدهای نفتی و هزینه‌های عمرانی دولت (میلیارد ریال)

کانالهای سوء تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشور

صادرات نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن از کانالهای مختلفی بر اقتصاد ایران مؤثر است که برخی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین کانالهای اثرگذاری این درآمدها عبارتند از:

- برنامه‌ریزی اقتصادی ناپایدار و غیرمستمر: نفت کالایی است که بازار جهانی داشته و قیمت آن نیز در بازار جهانی تعیین می‌شود، بنابراین اقتصاد ایران هیچ‌گونه نقشی در تعیین قیمت آن نداشته و قیمت نفت به‌صورت برونزا تعیین می‌شود. بنابراین این برونزا بودن به معنای برخورداری قیمت نفت از ماهیتی نوسانی است. حال با توجه به نوسانی بودن قیمت نفت، طبیعی است که ورود درآمدهای نوسانی ناشی از صادرات نفت اقتصاد کشور، باعث بروز نوسانهای مثبت و منفی در اقتصاد ایران می‌شود. نتیجه ورود این منابع درآمدی بی‌ثبات، نوسانی و ناپایدار، عدم توانایی در برنامه‌ریزی مستمر و پایدار برای سیاستگذاران دولتی است.
- عدم کشف توانمندیها و ظرفیتها در اقتصاد کشور (اثر مدرنسازی): یکی از مشکلاتی که معمولاً در نتیجه عدم مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی شده درآمدهای حاصل از صادرات نفت ایجاد می‌شود، این است که وابستگی به درآمدهای نفتی، مانع از کشف ظرفیتها و توانمندیهای اقتصاد کشور می‌گردد. معمولاً حکومت‌های دارای درآمد قابل ملاحظه از محل منابع طبیعی، نیازی به استفاده از تخصص و بهبود کارایی نمی‌بینند، زیرا نیازهای خود را از طریق صرف درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی برطرف می‌کنند.
- افزایش دامنه دخالت دولت در اقتصاد: در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان نظیر ایران، معمولاً دولت‌ها به‌دلیل بهره‌مندی از رانت‌های عظیم منابع، بسیار بزرگ و حجیم شده و این امر معمولاً منجر به برونزایی جبری بخش خصوصی توسط بخش دولتی می‌شود و دولت‌ها به‌جای انجام فعالیت‌های مکمل بازار، به فعالیت‌های جانشین بازار

می‌پردازند. یعنی به جای این که دولت‌ها به عنوان پشتیبان بخش خصوصی عمل نمایند، به صورت رقیب بخش خصوصی در عرصه اقتصاد ظاهر می‌شوند و نتیجه این امر تخصیص ناکارای منابع کشور است.

– بروز پدیده بیماری هلندی و گسترش تورم در اقتصاد: پس از کشف منابع عظیم گاز طبیعی در سال ۱۹۵۹ در هلند و افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور این منابع، اقتصاد این کشور با مشکلات متعددی روبرو شد. در سال ۱۹۷۷، نشریه اکونومیست لندن، در توصیف این پدیده عجیب، برای نخستین بار اصطلاح بیماری هلندی را به کار برد که در دهه ۷۰ برخی کشورهای دیگر، از جمله انگلستان را نیز مبتلا ساخته بود.

پیامدهای وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی

در حال حاضر اقتصاد ایران پس از چند دهه اتکا به منابع نفتی و تجربه شرایط متفاوت از جمله سپری کردن دوران جنگ تحمیلی، اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی، رویکار آمدن دولت‌های دارای تفکرات اقتصادی متفاوت و نیز دورانیهای متفاوت تعامل با جامعه بین‌المللی، دارای ساختاری است که مهم‌ترین ویژگی‌های آن را می‌توان به شرح زیر برشمرد: سهم بالای درآمد نفتی در صادرات و بودجه عمومی دولت، نقش پررنگ دولت در اقتصاد ملی، بی‌تأثیری یا کم‌تأثیری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی بر بهبود عملکرد اقتصاد و نقش پررنگ شوک‌های نفتی در بروز چرخه‌های تجاری. مروری بر رفتار اقتصادی دولت‌ها، نشان می‌دهد که نفت بیش از آنچه که نعمتی در جهت رفاه و پیشرفت کشور باشد، به صورت عذاب و آفتی برای انحراف اقتصاد از مسیر اصلی بروز کرده است. این در حالی است که نفت در واقع یک ثروت بین نسلی است و باید خرج سرمایه‌گذاری ماندگار و بلندمدت شود، نه مخارج روزمره و مصرفی.

راهبردهای مقابله با رویکردهای آمریکا و عربستان

تأمل در بازار جهانی نفت نشان می‌دهد که از اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی تحرکاتی با محوریت آمریکا – عربستان صورت گرفت، به طوریکه تهدید اقتصادی ایران از کانال کاهش قیمت نفت یکی از اهداف نهایی آن بود. بنابراین اقتصاد ایران با توجه به وابستگی شدیدی که به نفت خام و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن دارد باید راهبردهایی برای خنثی‌سازی این رویکرد خصمانه به کار بگیرد تا ضمن ایمن‌سازی اقتصاد ایران از این نوع تهدیدها، با چنین رویکردهای خصمانه‌ای نیز مقابله نماید.

با توجه به مباحث مطرح شده در بخش‌های قبلی مقاله و همچنین با استفاده از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد ایران، راهبردهایی (به تفکیک کوتاهمدت، میانمدت و بلندمدت که مورد تأکید و تأیید بسیاری از کارشناسان اقتصادی و کارشناسان حوزه انرژی نیز می‌باشد) در چارچوب اقتصاد مقاومتی برای مقابله با چالش‌های مختلف ناشی از کاهش قیمت نفت ارائه می‌گردد.

خروج از اوپک: با توجه به اینکه عربستان سعودی به عنوان دشمن یا حداقل رقیب سنتی ایران، مسلط بر اوپک است بنابراین می‌توان در مورد خروج از سازمانی که دشمن سنتی ایران آن را مدیریت می‌کند، تأمل کرد (راهبرد کوتاهمدت). با توجه به این که حضور در اوپک توأم با رعایت سهمیه‌های تولیدی این سازمان توسط ایران است، اثر مهمی که خروج از اوپک دارد این است که ایران در بازار نفت به لحاظ تولید و صادرات نفت از هیچ محدودیتی برخوردار نبوده و می‌تواند همچون روسیه و با توجه به منافع ملی اقدام به تولید و صادرات نفت نماید.

به کارگیری تمام پتانسیل کشور نسبت به تأمین منابع برای افزایش تولید نفت و فروش آن از همه راههای ممکن جهت مقابله با رویکرد عربستان سعودی و آمریکا (راهبرد کوتاهمدت)؛ به کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا در کوتاهمدت تولید و صادرات نفت ایران افزایش یابد و از این محل، کاهش قیمت نفت جبران شود.

گسترش دیپلماسی انرژی: مذاکرات ویژه با شرکتهای بزرگ نفتی و اقتصادی دنیا جهت تغییر در شرایط فعلی به منظور فشار به کشورهای تأثیرگذار نظیر عربستان و آمریکا در راستای افزایش منافع خودشان (راهبرد کوتاهمدت). به کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا شرکتهای معتبر بین‌المللی که بدون تردید از قیمت‌های پایین نفت منتفع نمی‌شوند، در مقام مقابله و فشار به کشورهای آمریکا و به ویژه عربستان برآمده و در راستای افزایش قیمت نفت تلاش کنند.

گسترش سهم مالیات از بودجه عمومی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (راهبرد میانمدت و بلندمدت). به کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا اقتصاد ایران در میانمدت و بلندمدت در مقابل افت قیمت و درآمدهای نفتی مقاوم شده و ضمن اجرایی کردن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با تخصیصات بیرونی نیز مقابله کند. لازم به ذکر است این پیشنهاد می‌تواند در جهت تقویت بندهای ۱۶ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد که ناظر به این بحث است (شبکه کانونهای تفکر ایران، ۱۳۹۳).

کاهش هزینه‌های جاری دولت (راهبرد میانمدت و بلندمدت): به کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا از کانال کاهش هزینه‌های جاری دولت، میزان نیازمندی دولت به درآمدهای نفتی برای جبران هزینه‌های جاری کاهش یافته و در مواقع بحران (همانند کاهش قیمت نفت) درجه آسیب‌پذیری اقتصاد کشور کاهش یابد. این راهکار در راستای بندهای ۱۶ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد که بندهای فوق ناظر به بودجه، هزینه‌های دولت و مالیات می‌باشند.

گسترش صادرات غیرنفتی (راهبرد میانمدت و بلندمدت): به کارگیری این راهبرد عاملی کلیدی در افزایش منابع ارزی کشور و کاهش وابستگی به ارزهای حاصل از صادرات نفت می‌شود. این رویکرد در نهایت باعث مقامسازی اقتصاد ملی در برابر تخصیصاتی از قبیل تلاش عربستان و آمریکا برای کاهش قیمت نفت می‌شود. این راهکار در راستای بند "۲" سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

دیپلماسی انرژی به عنوان ابزاری مؤثر در بازار نفت و تنوع بخشی به سبد صادرات انرژی به منظور کاهش سهم نفت با توجه به چالش‌های موجود و ظرفیتهایی که قابلیت به کارگیری آنها وجود دارد (راهبرد میانمدت و بلندمدت). این راهبرد باعث می‌شود تا اقتصاد ایران از خامفروشی فاصله گرفته و ضمن گسترش صادرات فرآوردههای نفتی با ارزش افزوده بالا، منابع درآمدی ارزی خود را نیز گسترش دهد.

استفاده بهینه از ظرفیت ممتازی بنام اقتصاد مقاومتی (راهبرد کوتاهمدت و بلندمدت): اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی آن ظرفیت بالقوهای است که به کارگیری آن باعث کاسته شدن از وابستگی اقتصاد ایران به خامفروشی نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن شده و اقتصاد کشور را در برابر تخصیصات مختلفی از قبیل کاهش قیمت نفت مقاوم کند.

سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی در کشورهای دیگر (به صورت خرید سهام و اوراق بهادار...) و به کارگیری سود ناشی از این سرمایه‌گذاریها در اقتصاد کشور (راهبرد بلندمدت): این راهبرد که یکی از رویکردهای رایج در کشورهای مختلف از جمله نروژ است موجب می‌شود تا هم اثرات ناشی از درآمدهای نفتی به طور مستقیم وارد اقتصاد کشور نشود، هم عدالت بین‌نسلی رعایت شود و همچنین اثرات سوء مستقیم افت قیمت نفت بر اقتصاد ایران خنثی شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

اقتصاد ایران طی سه سال اخیر با مرحله‌ای جدید از تحریم‌های اقتصادی به نام تحریم‌های اقتصادی سخت رو به روشده است. مؤثرترین و بنیادی‌ترین راهبرد مقابله با این شرایط، راهبرد اقتصاد مقاومتی است. در ذیل راهبرد فوق لازم است تمام مراحل ۵ گانه ذکر شده کسب فناوری در تمام صنایع راهبردی و برخوردار از مزیت نسبی طی شود. در صورت توافق بر معنا و مفهوم راهبرد و ارائه شده طرح سیاست‌های خرد و سیاست‌های کلان لازم برای تحقق آن ضرورت دارد.

بدون تردید شواهد مختلف آماری حاکی از آن است که اقتصاد ایران، اقتصادی وابسته به نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن است که وقوع هرگونه اختلال در درآمدهای ارزی صادرات نفت (از کانالهای مختلفی از قبیل کاهش صادرات نفت، کاهش قیمت نفت و یا تحریم‌های نفتی و بانکی و غیره) باعث آسیب وارد شدن به اقتصاد ایران شده و امنیت اقتصادی ایران با تهدید مواجه می‌شود. بنابراین الگوی اقتصاد مقاومتی راهکاری است که با مدنظر قرار دادن اصول و قواعد مشخص، تضمین‌کننده امنیت اقتصادی ایران می‌باشد. در سالهای اخیر شاهد این بودهایم که با غرضورزی کشورهای آمریکا و عربستان سعودی قیمت نفت روندی کاهشی به خود گرفته است که این امر می‌تواند به‌عنوان تهدیدی برای اقتصاد ایران محسوب شود و ضروری است در چارچوب اقتصاد مقاومتی راهبردهایی برای مقابله با آن تبیین شود. ارائه راهبردهایی جهت مقابله با کاهش قیمت نفت و اثرات ناشی از آن بر اقتصاد ایران، مستلزم آگاهی از چالش‌ها، ظرفیت‌ها و اهداف مدنظر است. اهم چالش‌های کلان و ملی مرتبط با نفت که می‌توان بیان کرد عبارتند از: کاهش قیمت نفت، کسری بودجه دولت، اختلال در بازار ارز و گسترش بازار موازی ارز، اختلال در تجارت خارجی، کاهش سرمایه‌گذاری دولتی، کاهش رشد اقتصادی، اختلال در انجام وظایف صندوق توسعه ملی، ضعف در دیپلماسی انرژی و نبود راهبرد مشخصی در حوزه انرژی.

در کنار چالش‌هایی که مطرح گردید، ظرفیت‌هایی نیز در اقتصاد ایران وجود دارد که اهم آنها عبارتند از: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد بدون نفت، گسترش سهم مالیات از بودجه عمومی، کاهش هزینه‌های جاری دولت، گسترش صادرات غیرنفتی، دیپلماسی انرژی به‌عنوان ابزار اثرگذاری در بازار نفت و تنوعبخشی به سبد صادرات انرژی به‌منظور کاهش سهم نفت.

با توجه به چالش‌های موجود و ظرفیت‌هایی که قابلیت به‌کارگیری آنها وجود دارد، اهم اهداف نیز عبارتند از: مقابله با کاهش قیمت نفت، کاهش تدریجی وابستگی اقتصاد ایران به نفت (امری که نزدیک به ۲۰ سال پیش در مطالبات رهبری نمود یافته و در سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید دوباره ایشان قرار گرفته است)، قطع وابستگی بودجه عمومی دولت به نفت و صرفه‌جویی در مخارج جاری دولت.

فارسی منابع و مأخذ

- زهرانی مصطفی (۱۳۷۶)، نظریه های تحریم اقتصادی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۹۳)، هندوستان و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۳)، لابی‌های مؤثر در تحریم اقتصادی علیه ایران، انتشارات نیلوفران
- دلاور پور اقدم مصطفی و مجتبی جلیل (۱۳۹۲)، ابعاد، اهداف و ماهیت تحریم جمهوری اسلامی ایران، سازمان بسیج حقوقدانان.
- مرکز تحقیقات کنگره امریکا (۲۰۱۳) گزارش مرکز تحقیقات کنگره امریکا در مورد تحریم‌های ایران (مترجم حمیدرضا درخشان)، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد

- کروتیس یواکیم (۲۰۰۵)، نگاهی به نقش اتحادیه اروپا در اعمال تحریم‌ها، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
- طغیانی مهدی (۱۳۹۳) مقدمه‌ای بر اقتصاد و تحریم، سازمان پدافند غیرعامل کشور
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۳) طراحان تحریم جمهوری اسلامی ایران در دولت و کنگره آمریکا، نیلوفران
- درخشان، مسعود (۱۳۹۱)، "امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز"، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۴.
- رحیم‌دوست، الهه (۱۳۹۳)، "ورود آمریکا به بازار نفت آسیا و پیامدهای آن بر امنیت اقتصادی ایران"، ماهنامه امنیت اقتصادی، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصادی.
- سیف، اله‌مراد (۱۳۹۱)، "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی))"، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۵، شماره ۱۶.
- نیکوقدم، مسعود (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی شیوه‌های جذب درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران؛ با نگاهی به تجربه کشور نروژ.